



فصلنامه سیاست دفاعی، سال دوازدهم

شماره ۴۷، تابستان ۱۳۸۳

فشردن دستهای صدام حسین :

بررسی اسناد دخالت آمریکا در جنگ ایران و عراق*

ویراستار : جویس بتل

مترجم : مریم ملانظر

تاریخ دریافت مقاله : ۸۳/۴/۱۰

تاریخ تأیید مقاله : ۸۳/۴/۲۵

صفحات مقاله : ۱۱۳-۱۴۶

چکیده

جنگ ایران و عراق، به رغم موضع گیریهای رسمی ابرقدرت‌های وقت، صحنه اعمال نفوذ و دخالت این بازیگران از طریق رژیم بعث حاکم بر عراق بود. با آنکه کتابها و مقالات مختلفی در مورد اعمال نفوذ یاد شده منتشر شده، تا پیش از انتشار سندهای رسمی بررسی شده در مقاله حاضر، مدهیات مربوط به دخالت آمریکا، اغلب از حد تحلیل فراتر نرفته بود. این اسناد، هر چند سانسور شده، ضمن تأیید بسیاری از دخالتها و سرگیریهای آمریکا به نفع صدام در جنگ، افقهای جدیدی را در این باره پیش روی محققان می‌گشاید.

* * * * *

کلید واژگان :

جنگ ایران و عراق، روابط آمریکا و عراق، سلاحهای شیمیایی

* Joyce Battle (ed), "Shaking Hands With Saddam Hossein : The U.S. Tilts Toward Iraq, 1980-1984". National Security Archive Electronic Briefing Book No.82, February 25, 2003. pp. 1-20.

جنگ ایران و عراق (۱۹۸۸-۱۹۸۰) یکی از مجموعه بحرانهای منطقه خاورمیانه است: انقلاب در ایران، اشغال سفارت آمریکا در تهران به وسیله دانشجویان مبارز، حمله به مسجدالحرام در مکه از سوی اسلامگرایان ضد حکومت پادشاهی، اشغال افغانستان توسط اتحاد شوروی، و جنگ مهلک میان سوریه، اسرائیل و فلسطینی‌ها در لبنان، پس از چندین ماه تنش بین جمهوری اسلامی ایران و حکومت ناسیونالیستی سکولار عراق، جنگ بوقوع پیوست. بغداد با این باور اشتباه که بی‌نظمی سیاسی ایران پیروزی سریع را تضمین می‌کند، در نیمه سپتامبر ۱۹۸۰ به این کشور حمله کرد.

جامعه بین‌المللی در چارچوب قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل واکنش نشان داد. براساس این قطعنامه‌ها طرفین درگیر به آتش‌بس فراخوانده شدند و از تمامی کشورهای عضو درخواست گردید که از دست زدن به هر اقدام مؤثری که به تداوم جنگ کمک می‌کند، پرهیز نمایند. روسیه در مخالفت با جنگ، صدور تسلیحات به ایران و عراق را قطع کرد. اما در سال ۱۹۸۲ تحویل سلاح به عراق را از سر گرفت، زیرا این کشور براساس پیمان ۱۹۷۲ متحد روسیه بود. آمریکا که در زمان شاه فروشهای نظامی گسترده‌ای به ایران داشت، پس از سقوط او به این روند پایان بخشید. در سال ۱۹۸۰، ایالات متحده به علت بحران گروگانگیری سفارت آمریکا در تهران، روابط دیپلماتیک با ایران را قطع نمود. عراق نیز در جریان جنگ ۱۹۶۷ اعراب - اسرائیل روابط خود را با آمریکا قطع کرده بود.

آمریکا در برابر جنگ ایران - عراق به طور رسمی موضع بی‌طرفی اتخاذ نمود، و مدعی شد که هیچ یک از طرفین را تجهیز نمی‌کند. ایران متکی به جنگ‌افزار آمریکایی بود و آنها را از طریق اروپا، آسیا و آمریکای جنوبی تأمین می‌کرد. عراق با استفاده از زرادخانه عظیم ساخت شوروی جنگ را آغاز نمود، اما پس از مدتی نیاز به سلاحهای اضافی داشت.

در آغاز جنگ، عراق در عمق سرزمین ایران پیشروی کرد، اما پس از چندین ماه به عقب رانده شد. در اواسط سال ۱۹۸۲، عراق در برابر حملات موج انسانی ایران موضع دفاعی به خود گرفت. آمریکا با این تحلیل که پیروزی ایران به نفع واشنگتن نخواهد بود، حمایت از عراق را آغاز کرد: اقدامهای جاری برای بهبود روابط آمریکا - عراق

شتاب گرفت، مقامات بلندپایه دو کشور با یکدیگر دیدار کردند و در فوریه ۱۹۸۲ وزارت خارجه ایالات متحده عراق را از فهرست کشورهای حامی تروریسم بین‌المللی حذف نمود (عراق به علت رابطه با چند گروه ملی‌گرای فلسطینی، و نه اسلامگرایان معتقد به نگرش جهانی القاعده، سالها پیش از آن در فهرست مزبور قرار گرفته بود. جنبش سیاسی الدعوه، گروه اسلامگرای شیعه که مخالف اصلی رژیم عراق به شمار می‌آمد، عامل عمده تسریع جنگ بود - که بر اثر انقلاب اسلامی ایران به جنبش درآمده بود، و تلاش برای ترور طارق عزیز وزیر خارجه عراق از جمله اقدامهای این گروه بود.*

طولانی شدن جنگ بسیار پرهزینه بود. عراق حمایت مالی خارجی عظیمی را از کشورهای حوزه خلیج فارس، و کمک به صورت وام را از آمریکا دریافت کرد. کاخ سفید و وزارت خارجه بانک صادرات - واردات را تحت فشار قرار دادند تا اقدام به تأمین بودجه و تقویت جایگاه اعتباری عراق نماید و به این کشور امکان دهد که از دیگر مؤسسات مالی بین‌المللی وام دریافت کند. وزارت کشاورزی ایالات متحده برای خرید کالاهای آمریکایی به منظور ارضای صادرکنندگان غلات کشور، وامهای دارای ضمانت مؤدی مالیاتی را تأمین کرد.

آمریکا در نوامبر ۱۹۸۴ روابط رسمی با عراق را دوباره برقرار نمود، اما چند سال پیش از آن نیز براساس رهنمودهای سیاسی رونالد ریگان (رئیس جمهور وقت) حمایت نظامی و اطلاعاتی از عراق (به صورت محرمانه و برخلاف موضع بی‌طرفی رسمی کشور) آغاز شده بود. این امور پس از صدور "دستورالعمل استراتژی امنیت ملی" ریگان در مارس ۱۹۸۲ (NSSM 4-82)، که خواهان بازنگری سیاست آمریکا در قبال خاورمیانه بود، تحقق پذیرفت.

از جمله رهنمودهای ریگان، "رهنمود تصمیم امنیت ملی" (NSDD) ۹۹ بود که در ۱۲ جولای ۱۹۸۳ به امضا رسید و تنها به صورت نسخه‌ای بسیار منظم [سند ۲۱] موجود است. این رهنمود منافع منطقه‌ای ایالات متحده در خاورمیانه و جنوب آسیا، و

* نویسنده به رغم اذعان به حمایت‌های سوگیرانه آمریکا از رژیم صدام، تلاش دارد با طرح مطالب انحرافی، و دخیل دانستن ایران در شروع جنگ، از بار مسئولیت‌های کشور متبوع خود بکاهد. [م]

اهداف آمریکا از جمله صلح بین اعراب و اسرائیل، حل و فصل دیگر منازعات منطقه‌ای و پیشرفتهای اقتصادی و نظامی "برای تقویت ثبات منطقه‌ای" را بررسی می‌کند. رهنمود مزبور به تهدیدات علیه طرحریزی استراتژیک آمریکا، همکاری با دیگر کشورها از جمله کشورهای عربی، و طرحهای عملیاتی می‌پردازد. بررسی بین اداری پیامدهای تغییر سیاست به نفع عراق پس از انتشار این رهنمود انجام شد

در تابستان ۱۹۸۳ ایران گزارش داد که عراق از سلاحهای شیمیایی استفاده کرده‌است. براساس توافقنامه ژنو، جامعه بین‌المللی به جنگ شیمیایی واکنش نشان می‌دهد، اما چون ایران در انزوای سیاسی بسر می‌برد شکایتهای این کشور بی‌پاسخ ماند و جامعه بین‌المللی سکوت اختیار کرد [یادداشت شماره ۱]. با وجود این، ایران در اکتبر ۱۹۸۳ اتهامات خود را شدت بخشید، و در ماه نوامبر از شورای امنیت سازمان ملل درخواست تحقیق و تفحص نمود.

آمریکا که تحولات جاری در جنگ ایران - عراق را با دقت و علاقه زیادی دنبال می‌کرد، اطلاعاتی در اختیار داشت که اتهامات ایران را تأیید می‌نمود و حاکی از کاربرد "تقریباً روزانه" سلاحهای شیمیایی به وسیله عراق بود. به‌رغم این، در سیاست خود بازنگری کرد و مصمم به حمایت از عراق در جنگ شد [سند ۲۴]. اطلاعات مزبور دلالت بر آن داشت که عراق علیه نیروهای ایرانی، و نیز براساس یادداشت نوامبر ۱۹۸۳، علیه "شورشیان کرد" از سلاحهای شیمیایی استفاده کرده‌است [سند ۲۵].

واکنش دولت ریگان چگونه بود؟ یکی از گزارشهای وزارت خارجه نشان می‌دهد که دولت به علت بی‌طرفی صریح در جنگ خلیج فارس، حساسیت منابع، و احتمال ضعیف دستیابی به نتایج مطلوب، تصمیم گرفته بود که تلاشهای خود را علیه برنامه سلاحهای شیمیایی عراق جهت توقف پایش محدود سازد. اما وزارت خارجه در اواخر نوامبر ۱۹۸۳ اعلام کرد که «عراق با کمک اساسی شرکتهای خارجی قادر به استفاده از سلاحهای شیمیایی شده و احتمالاً ذخایر عظیم سلاح شیمیایی را برای کاربرد بیشتر تقویت کرده‌است. با توجه به درماندگی عراق در پایان دادن به جنگ، ممکن است این کشور باردیگر از سلاحهای شیمیایی مرگبار یا بیهوش‌کننده استفاده نماید، بویژه اگر ایران قصد داشته باشد که با حمله گسترده‌ای عمق خطوط دفاعی عراق را تهدید کند» [سند ۲۵]. وزارت خارجه استدلال نمود که آمریکا باید به گونه‌ای واکنش نشان دهد که

اعتبار مخالفت رسمی این کشور با جنگ شیمیایی حفظ شود، و توصیه کرد که شورای امنیت ملی موضوع را مورد بحث و بررسی قرار دهد.

پس از بررسی کامل سیاست در سطوح بالا، رونالد ریگان "رهنمود تصمیم امنیت ملی" (nsdd) ۱۱۴ را در ۲۶ نوامبر ۱۹۸۳ صادر کرد، که بویژه دربارهٔ سیاست آمریکا در قبال جنگ ایران - عراق بود. این رهنمود اولویتهای دولت را نشان می‌دهد: همکاری نظامی منطقه‌ای برای دفاع از تأسیسات نفتی باید تقویت شود، و برای ارتقای توانمندیهای نظامی آمریکا در خلیج فارس باید اقداماتی انجام پذیرد، و وزارت خارجه و دفاع و رئیس ستاد مشترک موظف هستند که برای پاسخ به تنشهای منطقه اقدامهای مناسبی را اتخاذ کنند. در این رهنمود آمده است که «به علت تأثیر واقعی و روانی محدودیت [های احتمالی] در جریان نفت خلیج فارس بر سیستم اقتصادی بین‌المللی، ما باید آمادگی کامل داشته باشیم تا با اقدامهایی که با هدف ایجاد اختلاف در این جریان صورت می‌گیرد برخورد سریع و فوری نماییم.» در این رهنمود، هیچ ذکری از سلاحهای شیمیایی نشده است [سند ۲۶].

دیری نپایید که دونالد رامسفلد به عنوان نمایندهٔ سیاسی رئیس جمهور به خاورمیانه فرستاده شد. شایان ذکر است که رامسفلد در دولتهای نیکسون و فورد در سمتهای گوناگونی خدمت کرده‌است، که پست وزارت دفاع فورد از آن جمله می‌باشد؛ و این بار (در جریان جنگ ایران و عراق) ریاست شرکت داروسازی چندملیتی G.D.Searle Co. را برعهده داشت. او در دسامبر ۱۹۸۳ به بازدید از پایتختهای منطقه از جمله بغداد پرداخت و در حالی که بر "رابطهٔ نزدیک خود" با رئیس جمهوری تأکید داشت، قصد داشت که زمینهٔ برقراری "تماس مستقیم بین نمایندهٔ ریگان و صدام حسین" را فراهم سازد [سند ۲۸]. رامسفلد با صدام حسین دیدار نمود، و آنها در مورد مسائل منطقه‌ای دارای منافع دوجانبه، دشمنی مشترک با ایران و سوریه، و تلاشهای آمریکا برای یافتن مسیرهای جایگزین جهت انتقال نفت عراق، به بحث و گفتگو پرداختند. گفتنی است که تأسیسات نفتی عراق در خلیج فارس به وسیلهٔ ایران از کار افتاده بود، و سوریه به عنوان متحد ایران، خط لوله‌ای را که نفت عراق را از طریق سرزمین خود انتقال می‌داد

قطع کرده بود. براساس توضیحات مفصل در مورد این دیدار، رامسفلد هیچ گونه اشاره‌ای به سلاحهای شیمیایی نکرد [سند ۳۱].

رامسفلد طی دیدار با طارق عزیز، وزیر خارجه عراق، با او به توافق رسید که «آمریکا و عراق منافع مشترک زیادی دارند». رامسفلد تمایل دولت ریگان را «برای اقدام هرچه بیشتر» درباره جنگ ایران - عراق تصریح کرد، اما با استناد به مسائل خاصی مانند کاربرد سلاحهای شیمیایی، احتمال گسترش جنگ در خلیج فارس و حقوق بشر، توضیح داد که این مسائل مانع از تلاشهای ما برای کمک و همکاری می‌شود. او سپس به دیگر نگرانیهای آمریکا پرداخت [سند ۳۲]. بعدها رامسفلد اطمینان یافت که زهبری عراق از این دیدار «بسیار خرسند» شده است و «طارق عزیز رامسفلد را به عنوان یک شخصیت سرشناس ستوده است.» [سند ۳۶ و سند ۳۷].

رامسفلد در اواخر مارس ۱۹۸۴ به بغداد بازگشت. در آن زمان، آمریکا کاربرد جنگ‌افزار شیمیایی به وسیله عراق را آشکارا محکوم کرد و اعلام داشت که «آمریکا به این نتیجه رسیده است که شواهد و قراین موجود، اتهامات ایران مبنی بر استفاده عراق از سلاحهای شیمیایی را اثبات می‌کند» [سند ۴۷]. گزارشهای مربوط به دیدارهای رامسفلد نشان می‌دهد که به علت شکستهای نظامی این کشور و «به دنبال محکومیت عراق در ۵ مارس بخاطر کاربرد سلاحهای شیمیایی از سوی آمریکا» «روابط دوجانبه» بسیار کمرنگ شده بود، هرچند ایالات متحده بارها هشدار داده بود که این مهم دیر یا زود رخ می‌دهد، [در مجموع]، فضای عراق پس از دیدار رامسفلد در ماه دسامبر، رو به وخامت گذارد [سند ۴۸]. قرار بود که رامسفلد به مقامات عراقی اطمینان دهد که دولت ریگان می‌کوشد تا اعتبارات بانک صادرات - واردات را برای خط لوله عقبه کسب کند، و برای قطع صدور تسلیحات به ایران اقدامهای جدی به عمل آورد. براساس اقرارنامه‌ای که از سوی یکی از همراهان رامسفلد (در سفرهای خاورمیانه‌ای او) به نام هوارد تیچر، عضو سابق سنا و شورای امنیت ملی، تنظیم شده بود، رامسفلد همچنان پیشنهاد کمک اسرائیل را به عراق ابلاغ کرد، که پذیرفته نشد [سند ۶۱].

اگرچه سیاست رسمی آمریکا همچنان مانع از صدور تجهیزات نظامی به عراق بود، اما برخی تجهیزات نظامی به دور از هرگونه هیاهوی سیاسی برای این کشور تدارک می‌شد. در آوریل ۱۹۸۴، از حافظ منافع آمریکا در بغداد درخواست گردید که تقویم

مذاکرات شرکت هلسی کوپترسازی بل برای فروش هلی کوپتر به عراق را اجرایی کند، هرچند که این هلی کوپترها «هرگز نباید برای مقاصد نظامی استفاده می‌شود.» [سند ۵۵]. خریدار هلسی کوپترها وزارت دفاع عراق بود. در دسامبر ۱۹۸۲، شرکت فرعی بل در ایتالیا به آگاهی سفارت آمریکا در رم رسانید که درخواست عراق مبنی بر نظامی‌سازی هلی کوپترهای تازه خریداری شده «هاگز» را نپذیرفته است. کره جنوبی که متحد آمریکا به شمار می‌آید، وزارت خارجه ایالات متحده را مطلع ساخت که در ژوئن ۱۹۸۳ درخواست مشابهی را دریافت کرده است (در مارس ۱۹۸۳ یکی از دستیاران کنگره این پرسش را مطرح نمود که آیا کامیونهای سنگین که به تازگی به عراق فروخته شده، برای اهداف نظامی به کار گرفته می‌شود؟ یکی از مقامات وزارت خارجه پاسخ داد که «ما مسلم می‌دانستیم که عراق چنین قصدی دارد، اما این قصد را مطرح نکرده بود.» [سند ۴۴].

در بهار سال ۱۹۸۴، آمریکا سیاست فروش تجهیزات دو منظوره برای برنامه هسته‌ای عراق را مورد بازنگری قرار داد، و «نتایج اولیه به نفع گسترش این تجارت، تا بدانجا که نهادهای هسته‌ای این کشور را نیز دربرگیرد، بود» [سند ۵۷]. چند ماه پس از آن، تحلیل سازمان اطلاعات دفاعی نشان داد که حتی پس از پایان یافتن جنگ، «احتمال دارد که عراق توانمندی عظیم متعارف و شیمیایی خود را توسعه بخشد، و شاید برنامه سلاحهای هسته‌ای را تعقیب کند» [سند ۵۸]. (عراق در همسایگی خطرناک اسرائیل واقع شده، و این کشور بدون هیچ‌گونه مخالفت و پایش بین‌المللی، زرادخانه عظیمی از جنگ افزار هسته‌ای فراهم کرده است. عدم تولید و تکثیر هسته‌ای، اولویت مهمی در دولت ریگان نبود - در سراسر دهه ۱۹۸۰ دولت ریگان برنامه هسته‌ای پاکستان را نادیده گرفت، اگرچه اطلاعات حاکی از آن بود که پاکستان برای غلبه بر تحریمهای کنگره، برنامه تسلیحات هسته‌ای را پیگیری می‌کند. تحریمها مانع از کمک نظامی گسترده دولت به پاکستان بود که باید در مقابل حمایت این کشور از «مجاهدین» در حال نبرد با اشغالگر افغانستان (شوروی) تأمین می‌شد.)

در فوریه ۱۹۸۴، ارتش عراق که در انتظار حمله گسترده ایران بود، هشدار داد که «متجاوزان بدانند که برای هر حشره مضرری یک حشره‌کش وجود دارد که می‌تواند آن را به هر تعدادی که باشد نابود سازد و عراق این حشره‌کش مهلک را در اختیار دارد.» [سند ۴۱]. در ۳ ماه مارس، وزیر خارجه با مداخله خود مانع از آن شد که یک شرکت

آمریکایی ۲۲۰۰۰ پوند فلوراید فسفر، نوعی ماده مورد استفاده در سلاح شیمیایی، را به عراق انتقال دهد. واشنگتن به حافظ منافع آمریکا دستور داد که به دولت عراق اعتراض کند، و به اطلاع وزیر امور خارجه این کشور برساند که «ما محکومیت عمومی استفاده عراق از سلاحهای شیمیایی را در آینده نزدیک پیش‌بینی می‌کنیم.» و اینکه «ما با تلاش عراق برای کسب موادخام، تجهیزات یا تخصص تولید سلاحهای شیمیایی از ایالات متحده سرسختانه مخالفت می‌ورزیم. در صورت آگاهی از این گونه تلاشها، برای پیشگیری از صدور آنها به عراق اقدام خواهیم کرد» [سند ۴۲].

محکومیت عمومی در ۵ مارس صادر شد، با این مضمون: «اگرچه کاربرد سلاحهای شیمیایی به وسیله عراق محکوم است ... اما آمریکا خودداری سرسختانه رژیم کنونی ایران از چشم‌پوشی از هدف اعلام شده خود، مبنی بر حذف دولت مشروع عراق (کشور همسایه) را با موازین پذیرفته شده رفتار در میان کشورها و مبانی اخلاقی و مذهبی که خود مدعی آن است، ناسازگار می‌داند» [سند ۴۳].

مدتی بعد در همان ماه، وزارت خارجه مطبوعات را از تصمیم خود مبنی بر افزایش کنترل بر صدور مواد ترکیبی سلاحهای شیمیایی به ایران و عراق آگاه ساخت، و این امر در واکنش به گزارشهای اطلاعاتی و رسانه‌ای درباره تأمین این موارد ترکیبی برای عراق از سوی کشورهای غربی انجام پذیرفت. هنگامی که این پرسش مطرح شد که آیا نتیجه‌گیری ایالات متحده مبنی بر استفاده عراق از سلاحهای شیمیایی بر ابتکارات اخیر آمریکا برای گسترش روابط تجاری با عراق، و نیز تمایل برای گشایش روابط دیپلماتیک تأثیر خواهد داشت، سخنگوی وزارت خارجه گفت «نه، من از تغییر در موضع کشور خود آگاهی ندارم. ما علاقه داریم که در گفتگوی نزدیکتری با عراق شرکت کنیم» [سند ۵۲].

ایران پیش‌نویس قطعنامه‌ای را به سازمان ملل تسلیم نمود که در آن خواستار محکومیت استفاده عراق از سلاحهای شیمیایی شده بود. نماینده آمریکا در سازمان ملل موظف شد که با اعمال نفوذ در نمایندگان کشورهای دوست، برای «عدم تصمیم‌گیری» در مورد این قطعنامه تلاش کند. در صورتی که این مهم تحقق نمی‌یافت، نماینده آمریکا باید از موضوع خودداری می‌کرد. سفیر عراق با سفیر آمریکا در سازمان ملل،

جین کرک پاتریک، دیدار نمود، و از او خواست که از واکنش نشان دادن به این موضوع، همانند نمایندگان فرانسه و انگلیس، "خودداری" کند.

یکی از مقامات بلندپایه سازمان ملل که در مأموریت حقیقت‌یاب برای تحقیق در مورد شکایت ایران شرکت کرده بود، توضیح داد که «اگر جامعه بین‌المللی عراق را محکوم نسازد، ایران ممکن است برای ساخت و کاربرد سلاح‌های شیمیایی مصمم شود. او گفت که آقای رفسنجانی رئیس مجلس در این ارتباط بیانات علنی داشته است.» [سند ۵۰].

نظار حمدون، حافظ منافع عراق در ۲۹ ماه مارس، با جیمز پلاک، معاون وزیر خارجه آمریکا دیدار کرد. حمدون گفت که عراق بیانیه ریاست شورای امنیت را درباره قطعنامه ترجیح می‌دهد، و خواهان اجرایی شدن قطعنامه‌های پیشین در مورد جنگ، و پیشرفت به سوی پایان دادن به جنگ است، اما نباید هیچ کشور خاصی به عنوان مسئول کاربرد سلاح‌های شیمیایی شناخته شود. پلاک گفت «در صورت همراهی شورای امنیت، آمریکا می‌توانست پیشنهادات عراق را بپذیرد. او از دولت عراق خواست که "از آشفته ساختن اوضاع پرهیز کند" اما یاد آورد شد که آمریکا نمی‌خواهد این موضوع بر روابط دوجانبه سایه افکند.» [سند ۵۴].

در ۳۰ مارس سال ۱۹۸۴، شورای امنیت ملی بیانیه ریاست جمهوری را صادر کرد، که در آن کاربرد سلاح‌های شیمیایی محکوم شده بود بدون آنکه عراق به عنوان طرف متخلف معرفی گردد. یادداشت وزارت خارجه که مفاد پیش‌نویس را انتشار داد ابراز داشت که «این بیانیه به هر حال سه عنصر مورد نظر حمدون را دربردارد.» [سند ۵۱].

در ۵ آوریل سال ۱۹۸۴، رونالد ریگان رهنمود ریاست جمهوری موسوم به NSDD139 را صادر کرد. در این رهنمود هدف ایالات متحده مبنی بر تضمین دستیابی به تأسیسات نظامی در منطقه خلیج فارس مورد تأکید قرار گرفته و به رئیس سازمان اطلاعات مرکزی (سیا) و وزیر دفاع دستور داده شده است که توانمندیهای گردآوری اطلاعات آمریکا را ارتقا دهند. رهنمود مزبور عزم آمریکا را برای توسعه طرح‌هایی "جهت ممانعت از سقوط عراق" قانونی کرد. براساس رهنمود ریگان، سیاست آمریکا محکومیت "بدون ابهام" جنگ شیمیایی (بدون ذکر عراق) را ایجاب می‌کرد، اگرچه هشدار می‌داد که آمریکا «بر ضرورت مبرم بازداری ایران از تداوم

تاکتیکهای غیرانسانی، که شاخص عملیات تهاجمی اخیر بوده است، تأکید دارد.» رهنمود ریگان در این مورد که «محکومیت» جنگ شیمیایی به معنای تعدیل حمایت آمریکا از عراق و یا تردید در مورد آن است، چیزی نمی‌گوید. [سند ۵۳].

براساس سندی از وزارت خارجه در ۱۶ نوامبر سال ۱۹۸۴، عراق پس از اقدام دیپلماتیک آمریکا در ماه نوامبر سال ۱۹۸۳ کاربرد سلاحهای شیمیایی را متوقف ساخت، اما در ماه فوریه سال ۱۹۸۴ استفاده از آنها را دوباره آغاز کرد. در ۲۶ نوامبر ۱۹۸۴، عراق و آمریکا روابط دیپلماتیک خود را احیا نمودند. طارق عزیز، معاون نخست وزیر در واشنگتن برای از سرگیری رسمی روابط دو جانبه، با جورج شولتز ملاقات کرد. هنگامی که بحث آنها به جنگ ایران - عراق معطوف شد، طارق عزیز گفت که کشور متبوع وی خرسند است که «تحلیل آمریکا در مورد تأثیر منفی ادامه جنگ بر ثبات منطقه‌ای، هماهنگی اصولی با تحلیل عراق دارد» و از تلاشهای آمریکا برای قطع فروش تسلیحات بین‌المللی به ایران سپاسگزاری کرد. او اظهار نمود که «برتری ماشین جنگی عراق» دفاع از کشور را تضمین می‌کند. شولتز با لحنی طعنه‌آمیز گفت که «اطلاعات برتر نیز باید عامل مهمی در دفاع عراق به شمار آید؛» و طارق عزیز با این امر موافقت کرد. [سند ۶۰].

نتیجه‌گیری

دولت بوش کنونی برای پیشبرد هدف خود، مسئله عراق را صرفاً براساس مبانی اخلاقی تحلیل می‌کند. هدف دولت مجاب ساختن جهان بدبین است، مبنی بر این که حمله‌ای پیشگیرانه و عمدی علیه عراق باید به عنوان یک «جنگ عادلانه» مورد حمایت قرار می‌گرفت. اسناد مندرج در این گزارش اجمالی، نشان دهنده آن است که «واقع‌گرایی سیاسی» تعیین‌کننده سیاستهای کشور آمریکا، در سالهایی بود که عراق سلاحهای شیمیایی را به کار می‌گرفت. مخالفت واقعی (به جای لفاظی) با این نوع کاربرد، در جهت منافع آمریکا تلقی نمی‌شد؛ در عوض، دولت ریگان همچنان بر عزم راسخ خود مبنی بر استفاده ابزاری از عراق برای پیشگیری از پیروزی ایران تأکید داشت. جنگ شیمیایی به عنوان مسئله‌ای که می‌تواند روابط عمومی را آشفته کند تلقی می‌شد، که کمک [به عراق] را پیچیده می‌کرد. اگرچه دولت آمریکا در آن زمان از

سیاستهای داخلی سرکوبگرانه‌ی دولت عراق بخوبی آگاه بود، اما در رهنمودهای ریاست جمهوری که سیاست آمریکا را در قبال جنگ ایران - عراق تبیین نمود هیچ‌گونه بازتابی نداشت. آمریکا در صدد نمایش نیروی نظامی خود در خاورمیانه و حفظ جریان نفت بود.

بخش عمده‌ای از اطلاعات مندرج در این گزارش اجمالی، به صورت رئوس مطالب کلی، طی سالها در دسترس بوده‌است. بخشی از آن در گزارشهای خبری همان زمان ثبت شده بود؛ چند گزارشگر محقق بویژه پس از تجاوز عراق به کویت، مقدار زیادی از این اطلاعات را فاش ساختند. ما مدیون نماینده‌ی فقید حزب دموکرات تکزاس، هنری گونزالس (۲۰۰۰-۱۹۱۶)، هستیم. پرسنل او تحقیقات گسترده‌ای را درباره‌ی سیاست آمریکا در قبال عراق طی دهه‌ی ۱۹۸۰ انجام دادند. هنری گونزالس همواره تلاش می‌کرد که اطلاعات را در اختیار عموم قرار دهد [یادداشت ۳].

سند* ۱: تلگراف سفارت آمریکا در ترکیه از ریچارد دلبیو. بوییم به وزارت خارجه.

"حمایت از حمل محموله‌های دریایی برای عراق"، ۲۱ نوامبر ۱۹۸۰

اندکسی پس از آغاز جنگ ایران - عراق، سفارت آمریکا در آنکارا گزارش می‌دهد که حجم انبوهی از کالاها در بنادر ترکیه در انتظار بارگیری به مقصد عراق هستند، و اینکه مقادیر زیادی از کالاهای اسرائیلی برای "طرفهای درگیر جنگ" از ترکیه عبور کنند، که محصولات شیمیایی اسرائیل به مقصد ... از آن جمله است. این امر نشان‌دهنده "فرصت طلبی اسرائیل" در فروش کالا به هر دو کشور ایران و عراق است.

جنگ ایران - عراق صدها هزار تلفات و خسارات مادی گسترده‌ای را در پی داشت. این جنگ به واسطه‌ی بازار تسلیاتی مرکب از دولتها و شرکتهای خارجی متعددی تداوم یافت: انگلیس، اسپانیا، ایتالیا، فرانسه، آلمان، برزیل، آرژانتین، شیلی، کره شمالی، چین، آفریقای جنوبی، اروپای شرقی، اسرائیل، آمریکا و غیره. آنها هر دو طرف جنگ را مصرف‌کنندگان مشتاق جنگ‌افزار، مهمات و فناوری نظامی یافتند. ایران به سلاحهای آمریکایی نیاز داشت که با شالوده‌ی نظامی ایجاد شده به وسیله‌ی ایالات متحده در دوره

* تصویر کلیه اسناد در آدرس ذیل قابل مشاهده است:

شاه سازگار بود، اما نمی‌توانست آنها را به‌طور مستقیم خریداری کند، و باید به عرضه‌کنندگان واسطه تکیه می‌نمود.

منبع: براساس قانون آزادی اطلاعات از طبقه‌بندی خارج شده است.

سند ۲: تلگراف سفارت آمریکا در اسرائیل از ساموئل دلبو، لوئیس به وزارت خارجه.

«گفتگو با [این قسمت سانسور شده است]»، ۱۲ دسامبر ۱۹۸۰

منبعی اظهار می‌نماید تا مادامی که تهران گروگانهای آمریکایی را در اختیار داشت اسرائیل از فروش تسلیحات به ایران خودداری می‌کرد، اما دلالت تسلیحات اروپایی با یا بدون تصویب دولت خود جنگ‌افزار را برای این کشور تأمین می‌کردند. (نظاره‌کنندگان ایرانی در سپتامبر ۱۹۷۹ در اعتراض به ورود شاه تبعیدی به آمریکا، سفارت این کشور را در تهران اشغال نمودند و ۵۲ آمریکایی را به گروگان گرفتند. دولت کارتر در پاسخ داراییهای ایران را توقیف کرد و تحریمهایی را اعمال نمود. گروگانها تا ۲۰ ژانویه ۱۹۸۱، یعنی نخستین روز دوره ریاست جمهوری جدید رونالد ریگان، در ایران محبوس بودند.

منبع: براساس قانون آزادی اطلاعات از طبقه‌بندی خارج شده است.

سند ۳: تلگراف وزارت خارجه از الکساندر ام. هیگ به تمامی پایگاههای

دیپلماتیک در خاور نزدیک و جنوب آسیا.

«تجهیزات نظامی برای ایران و عراق»، ۱۶ فوریه ۱۹۸۱

تلگراف وزارت خارجه سیاست رسمی صدور تسلیحات آمریکا را برای ایران و عراق در اوایل سال ۱۹۸۱ این‌گونه ترسیم می‌کند: «موضع آمریکا پرهیز از حمایت از طرفین متخاصم بود زیرا برای پیشگیری از گسترش جنگ، پایان دادن به نبرد و احاده ثبات به منطقه تلاش می‌کرد.»

منبع: براساس قانون آزادی اطلاعات از طبقه‌بندی خارج شده است.

سند ۴: تلگراف حفاظت منافع آمریکا در عراق از ویلیام ال. ایگلتن به وزارت خارجه.

«چشم‌اندازهایی برای دیدار دراپر، معاون وزیر از بعاد»، ۴ آوریل ۱۹۸۱

حفاظت منافع آمریکا (چون در آن زمان آمریکا و عراق روابط دیپلماتیک رسمی نداشتند - در نوامبر ۱۹۸۴ این روابط احیا شد - در پایتخت حفاظت منافع تأسیس

کردند) می‌گوید آمریکا هم‌اکنون بیش از هر زمان دیگری پس از انقلاب ۱۹۵۸ (که عراق حکومت محافظه‌کار هاشمی را که در دوران استعمار انگلیس تحمیل شده بود، سرنگون کرد) همگرایی منافع با عراق دارد. موریس دراپر معاون وزیر خارجه قرار است که از بغداد دیدار نماید، و این «نخستین دیدار یک مقام ارشد وزارت خارجه پس از ممانعت از دیدار فیلیپ حبیب در سال ۱۹۷۷ می‌باشد».

منبع: براساس قانون آزادی اطلاعات از طبقه‌بندی خارج شده است.

سند ۵: تلگراف وزارت خارجه از الکساندر ام. هیگ به بخش منافع ایالات متحده در عراق.

«پیام وزیر به وزیر خارجه عراق»، ۸ آوریل ۱۹۸۱

الکساندر هیگ، وزیر خارجه آمریکا پیامی شخصی به سعدون حمادی، وزیر خارجه عراق می‌فرستد با این مضمون: حائز اهمیت است که «دو کشور می‌توانند آزادانه و به‌طور منظم تبادل نظر کنند»، و بدین ترتیب زمینه برای دیدارهای موریس دراپر، معاون وزیر خارجه از بغداد فراهم شد.

منبع: براساس قانون آزادی اطلاعات از طبقه‌بندی خارج شده است.

سند ۶: تلگراف حافظ منافع ایالات متحده در عراق از ویلیام ال. ایگلتن به وزارت خارجه.

«دیدارهایی با سعدون حمادی، وزیر خارجه عراق در بغداد»، ۱۲ آوریل ۱۹۸۱

با توجه به اینکه دولت ریگان تلاشهای خود را برای بهبود روابط با عراق ادامه می‌دهد، بخش حفاظت منافع آمریکا در بغداد اطلاعات بیشتری را از واشنگتن درخواست می‌کند «به‌گونه‌ای که بتواند در مسائل گوناگون دارای منافع دوجانبه فرصتهای مناسبی را به دست آورد.»

سند ۷: نامه سعدون حمادی، وزیر خارجه عراق به الکساندر ام. هیگ.

«تشکر وزیر خارجه عراق بخاطر دیدار با دراپر معاون وزیر»، ۱۵ آوریل ۱۹۸۱

سعدون حمادی، وزیر خارجه عراق به خاطر دیدار با دراپر، معاون وزیر از الکساندر هیگ، وزیر خارجه تشکر می‌کند، از بحث تقویت روابط تجاری حمایت می‌نماید و از تضمینهای آمریکا در مورد عدم فروش تسلیحات به ایران استقبال می‌کند.

سند ۸: تلگراف حافظ منافع ایالات متحده در عراق از ویلیام ال. ایگلتن به وزارت خارجه.

“نامه حمادی، وزیر خارجه عراق به وزیر”، ۲۰ آوریل ۱۹۸۱

پس از قرائت “نامه دوستانه و غیرجنگجالی” حمادی وزیر خارجه عراق به هیگ وزیر خارجه آمریکا، رئیس بخش منافع ایالات متحده با محمدالصالح یکی از مقامات وزارت خارجه هم عقیده می‌شود که مکاتبه دوجانبه سودمندی بین آمریکا و عراق برقرار شده است.

سند ۹: تلگراف وزارت خارجه از الکساندر ام. هیگ به بخش منافع عراق در آمریکا.

“دیدارهایی با العمر، فرمانده عراقی”، ۲۲ آوریل ۱۹۸۱

دراپر معاون وزیر، در بازگشت به واشنگتن به رئیس حفاظت منافع عراق اطمینان می‌دهد که از دیدار بغداد و چشم‌اندازهای بهبود روابط و افزایش تجارت بین دو کشور بسیار خرسند است. او از این فرصت استفاده نموده و یک شرکت آمریکایی را وارد مناقصه پروژه متری عراق می‌کند.

سند ۱۰: تلگراف بخش حفاظت منافع ایالات متحده در عراق از ویلیام ال. ایگلتن به وزارت خارجه.

“دیدار با طارق عزیز”، ۲۸ مه ۱۹۸۱

پس از رایزنی‌ها در واشنگتن، رئیس بخش حفاظت منافع آمریکا در بغداد، ویلیام ایگلتن، با نماینده شورای فرماندهی انقلاب طارق عزیز دیدار می‌کند. پس از قطع روابط در سال ۱۹۶۷، این بالاترین سطح در دولت عراق است که با او دیدار به عمل آمد. ایگلتن “رضایت دولت ایالات متحده را نسبت به روند مثبت در روابط عراق - آمریکا” به اطلاع طارق عزیز می‌رساند. پس از ملاقات، او به واشنگتن خبر می‌دهد که «اگر حساسیت یا پیام بسیار مهمی برای ابلاغ نداشته باشیم، در موضع تماس با رهبری هستیم».

سند ۱۱: تلگراف وزارت خارجه از الکساندر ام. هیگ به حفاظت منافع ایالات متحده در عراق.

"سیاست آمریکا در مورد فروش و انتقال سلاح به ایران و عراق"، ۳ ژوئن ۱۹۸۱
 واشنگتن به بخش حفاظت منافع آمریکا در بغداد گزارش می‌دهد که «در زمینه
 دستیابی ایران به قطعات یدکی و تسلیحات آمریکایی "هیچ‌گونه اطلاعات خاصی
 ندارد"، و از رئیس این بخش می‌خواهد که به مقامات عراقی اطمینان دهد که «ایالات
 متحده فروشهای نظامی به ایران یا عراق را تصویب نکرده و یا نادیده نگرفته است.»

سند ۱۲: تلگراف بخش منافع ایالات متحده در عراق به وزارت خارجه.

"دیدار پیلزبری، عضو هیئت نمایندگی بغداد"، ۲۷ سپتامبر ۱۹۸۱
 یکی از اعضای هیئت نمایندگی ستاد از سوی سناتور اورین هاج به خاورمیانه سفر
 کرد و با نمایندگان مجلس عراق دیدار نمود و به بحث و گفتگو پرداخت، که "فضای
 دوستانه و رضایتبخشی" بر بحثها حاکم بود و از بهبود روابط آمریکا - عراق اعلام
 حمایت شد.

سند ۱۳: تلگراف وزارت خارجه از الکساندر ام. هیگ به بخش منافع آمریکا در
 عراق.

"حذف عراق از فهرست حامیان تروریسم بین‌المللی"، ۲۷ فوریه ۱۹۸۲
 وزارت خارجه به مطبوعات رهنمود می‌دهد که در مأموریتهای منطقه‌ای به حذف
 عراق از فهرست کشورهای حامی تروریسم بین‌المللی بپردازند. براساس رهنمود مزبور،
 این تصمیم هیچ‌گونه تأثیری در سیاست آمریکا در قبال جنگ ایران - عراق ندارد.

سند ۱۴: رهنمود مطالعه امنیت ملی (NSSD4-82) مصوب رونالد دلبیو. ریگان
 "استراتژی آمریکا در قبال خاور نزدیک و جنوب غرب آسیا"، ۱۹ مارس ۱۹۸۲
 ریگان برای اتخاذ تصمیماتی در ارتباط با تأمین آماد، انتقال تسلیحات و طرحریزی
 اطلاعاتی خواستار بازنگری سیاست آمریکا در قبال خاورمیانه و جنوب آسیا است. به
 علت تحولات دیپلماتیک منطقه‌ای و بازار جهانی نفت، اصلاح رهیافتها ضرورت دارد.

سند ۱۵: تلگراف بخش منافع آمریکا در عراق از ویلیام ا. ایگلتنون به وزارت
 بازرگانی.

"هلیکوپتر هواپیما برای وزارت کشاورزی و اصلاحات ارضی عراق"، ۲۰ سپتامبر ۱۹۸۲

رئیس هوانیروز کشاورزی عراق از سازندگان آمریکایی هواپیمای سمپاش کشاورزی دعوت می‌کند که اطلاعات لازم دربارهٔ هلیکوپترها و آموزش خلبانان را تأمین نمایند، و مسائل مربوط به تجهیزات موجود از جمله استنشاق گازهای حشره‌کش به وسیله خلبانان را یادآور می‌شود.

ایران در آن زمان گزارش داد که جنگ‌افزار شیمیایی علیه نیروهایش به کار رفته است. براساس مقاله‌ای که در سال ۱۹۹۱ در "لس آنجلس تایمز" به چاپ رسید، عراق با استفاده از هلیکوپترهای ساخت آمریکا برخی از حملات شیمیایی خود را انجام داد؛ و به گزارش سازمان سیا، عراق استفاده از هواپیمای غیرنظامی سمپاش را برای جنگ بیولوژیکی آزمایش کرد.

سند ۱۶: تلگراف وزارت خارجه از جورج پی. شولتز به حفاظت منافع ایالات متحده در عراق.

"دیدار وزیر خارجهٔ عراق"، ۱۵ ژانویه ۱۹۸۳

وزارت خارجه از بخش منافع آمریکا در بغداد می‌خواهد که به اطلاع مقامات عراقی برساند که جورج شولتز، وزیر خارجه از دیدار سعدون حمادی وزیر خارجهٔ عراق استقبال می‌کند، اما انتقاد کنگره از عراق و "حساسیت موضوع تروریسم" را یادآور می‌شود (زیرا عراق حامی چندین گروه ناسیونالیستی فلسطینی بود). وزارت خارجه به عراق پیشنهاد می‌کند که با قطع حمایت خود از تروریسم، بویژه گروه‌های فلسطینی، فضای سازنده‌ای را برای دیدار دو طرف فراهم نماید.

سند ۱۷: تلگراف هیئت نمایندگی دفتر وزیر خارجه از جورج پ. شولتز به وزارت خارجه

"ملاقات وزیر با طارق عزیز وزیر خارجهٔ عراق در ۱۰ مه"، ۱۱ مه ۱۹۸۳

شولتز وزیر خارجه به طارق عزیز می‌گوید آمریکا خواهان پایان بخشیدن به جنگ ایران - عراق است. او موضع بی‌طرفی ایالات متحده را نسبت به جنگ یادآور می‌شود اما به طارق عزیز می‌گوید که «ما به شیوه‌های گوناگون به عراق کمک کرده‌ایم».

سند ۱۸: تلگراف وزارت خارجه از جورج پی. شولتز به بخش منافع آمریکا در عراق.

"پیام وزیر برای طارق عزیز وزیر خارجه: حمایت عراق از تروریسم"، ۲۳ مه ۱۹۸۳
 جورج شولتز وزیر خارجه طی نامه‌ای به طارق عزیز، "منافع مشترک بسیار مهم" بین آمریکا و عراق را تبیین می‌کند. شولتز به‌طور غیرمستقیم این کشور را به جدایی از گروه‌های فلسطینی فرامی‌خواند. گفتنی است که عراق به واسطهٔ تحریک شبه‌نظامیان محافظه‌کار شیعه که با آمریکا و دولت سکولار عراق مخالفند از این گروه‌ها حمایت می‌کرد: «به‌نظر می‌رسد که دست‌کم القای برخی عملیات تروریستی علیه عراق و آمریکا از همان منابع سرچشمه می‌گیرد. اگر در مبارزه با تروریسم با یکدیگر همکاری کنیم، تلاش‌های ما مؤثرتر واقع می‌شود. با مطالعه و بررسی سیاست عراق، چنین می‌نماید که بغداد به این نتیجه نزدیک می‌شود که منافع ملی آن هرگز به واسطهٔ تروریست‌های بین‌المللی تأمین نمی‌گردد».

سند ۱۹: سازمان سیا، ریاست ارزیابی اطلاعات.

"برنامه هسته‌ای عراق: پیشرفت با وجود وقفه"، ژوئن ۱۹۸۳

ارزیابی سازمان سیا دربارهٔ برنامه هسته‌ای عراق حاکی است که شاید این کشور به دنبال دستیابی به جنگ‌افزار هسته‌ای باشد. سازمان سیا اعلام می‌دارد که چنین برنامه‌ای را شناسایی نکرده است اما یادآورد می‌شود که بغداد «گامهایی برداشته که می‌توان در آن مسیر قرار گیرده»، اگرچه مشکل تحقیق و توسعه و تأمین مخفیانه فناوری و مواد قابل شکافت مورد نیاز را ذکر می‌کند.

سند ۲۰: تلگراف بخش منافع آمریکا در عراق از باربارا بودین به وزارت خارجه.

"نظامی سازی هلیکوپترهای هاگنز"، ۸ ژوئن ۱۹۸۳

به گفتهٔ وزارت خارجه یکی از مقامات دولت (شاید) کرهٔ شمالی گزارش داد که عراق از دولت متبوع وی درخواست نموده که کاربری هلیکوپترهای هاگنز را که در سال ۱۹۸۳ به این کشور فروخته و تحویل داده شده بود به نظامی تبدیل کند، اما این تقاضا پذیرفته نشد.

سند ۲۱: رهنمود تصمیم امنیت ملی (NSSD99) مصوب رونالد دلبیو، ریگان.

"استراتژی امنیتی آمریکا در قبال خاور نزدیک و جنوب آسیا"

[ضمیمه برای پوشش نامه غیررسمی: شدت سانسور شده است] ۱۲ جولای ۱۹۸۳
اهداف، استراتژیها و طرحهای عملیاتی منطقه‌ای آمریکا را در قبال خاورمیانه تبیین می‌کند (بیشتر مندرجات سانسور شده است).

سند ۲۲: وزارت خارجه، یادداشت دفتر اطلاعات امور خاور نزدیک و جنوب آسیا از جانانان تی. هاو به لاورنس اس. ایگلبرگر.

"جنگ ایران - عراق: تحلیل درباره تغییر احتمالی موضع بی‌طرفی کامل آمریکا"

۷ اکتبر ۱۹۸۳

در این تحلیل، احتمال "تمایل" آمریکا به سمت عراق در جنگ ایران - عراق و ملاحظات عملی مربوطه مورد بحث قرار می‌گیرد، و ذکر می‌شود که «پس از ورود نیروهای ایران به خاک عراق در تابستان ۱۹۸۲، سیاست بی‌طرفی کامل آمریکا، بجز فروش تسلیحات، تعدیل شده است. (ما بر این فرض هستیم که دیگر اقداماتی که در اینجا مورد بحث قرار نگرفته مانند تأمین اطلاعات تاکتیکی، در صورت ضرورت ادامه خواهد یافت)»

سند ۲۳: رونوشت سرویس اطلاعات منتشره خارجی.

"IRNA گزارش می‌دهد که رژیم عراق برای توقف عملیات والفجر ۴

از جنگ‌افزار شیمیایی استفاده می‌کند»، ۲۲ اکتبر ۱۹۸۳.

ایران ادعا می‌کند که عراق سلاحهای شیمیایی را علیه نیروهای ایرانی به کار گرفته است.

سند ۲۴: وزارت خارجه، نامه غیررسمی اطلاعاتی دفتر امور سیاسی - نظامی از جانانان تی. هاو به جورج پی. شولتز.

"استفاده عراق از جنگ‌افزارهای شیمیایی"، ۱ نوامبر ۱۹۸۳

مقامات دفتر امور سیاسی - نظامی وزارت خارجه به شولتز یادآور می‌شوند که این مرکز اطلاعات بیشتری در اختیار دارد که کاربرد "تقریباً روزانه" جنگ‌افزار شیمیایی از سوی عراق را تأیید می‌کند. آنها اظهار می‌دارند که «ما همچنین مطلع هستیم که عراق توان تولید سلاحهای شیمیایی را احتمالاً از شرکتهای غربی از جمله یک شرکت فرعی

خارجی آمریکایی به دست آورده است.» این موضوع به دستورکار نشست آتی شورای امنیت ملی افزوده می‌شود، که در آن اقدامات کمک به عراق مورد بررسی قرار می‌گیرد. مقامات ذکر می‌کنند که واکنش به این موضوع برای حفظ اعتبار سیاست آمریکا در مورد جنگ شیمیایی حائز اهمیت است.

سند ۲۵: وزارت خارجه، یادداشت عملیاتی دفتر معاون وزیر در امور خاور نزدیک و جنوب آسیا از جاناتان تی. هاو به لاورنس اس. ایگلبرگر.
 «استفاده عراق از جنگ‌افزار شیمیایی» شامل تلگرافهایی است با عنوان «بازداشتن عراق از کاربرد سلاحهای شیمیایی» و سابقه عراق در به‌کارگیری جنگ‌افزار شیمیایی»،
 ۲۱ نوامبر ۱۹۸۳

مقامات وزارت خارجه توصیه می‌کنند که هرچه زودتر با مقامات عراقی را در زمینه کاربرد سلاحهای شیمیایی بحث کنند، بدین منظور که از کاربرد بیشتر بازداری شود و «از غافلگیری ناخوشایند عراق به واسطه اتخاذ احتمالی مواضع عمومی آمریکا پرهیز گردد.» یک تلگراف محرمانه می‌گوید که عراق در اکتبر سال ۱۹۸۲ و به گزارش در جولای و آگوست ۱۹۸۳ علیه نیروهای ایرانی «و در همین اواخر علیه شورشیان کرد» از جنگ‌افزار شیمیایی استفاده کرد.

سند ۲۶: رهنمود تصمیم امنیت ملی (NSDD114) مصوب رونالد دلبیو. ریگان.
 «سیاست آمریکا در قبال جنگ ایران - عراق»، ۲۶ نوامبر ۱۹۸۳
 ریگان رئیس جمهور آمریکا دستور رایزنی با کشورهای را در منطقه می‌دهد که در زمینه اقدام برای حفاظت از تولید نفت خلیج فارس و تأسیسات انتقال آن خواهان همکاری با ایالات متحده هستند. آمریکا ایجاد پایگاههای نظامی برای استقرار نیروهای واکنش سریع در منطقه جهت حفاظت از تأسیسات نفتی را در صدر اولویت قرار خواهد داد.

سند ۲۷: تلگراف وزارت خارجه از کنث دلبیو. دام به بخش منافع آمریکا در عراق.
 «دیدار رامسفلد از عراق»، ۷ دسامبر ۱۹۸۳

این تلگراف گزارش می‌دهد که دونالد رامسفلد در سفر دوره‌ای خود به کشورهای خاورمیانه به عنوان فرستاده ویژه ریگان از عراق دیدار می‌کند، اما یادآوری می‌شود که از نظر او تنها در صورت دیدار مستقیم با صدام حسین، این امر ارزنده خواهد بود.

سند ۲۸: تلگراف حفاظت منافع آمریکا در عراق از ویلیام ال. ایگلتن به وزارت خارجه [و دیگران].

«دیدار رامسفلد از عراق»، ۱۰ دسامبر ۱۹۸۳

رئیس حفاظت منافع آمریکا در بغداد به محمدالصالح معاون وزیر می‌گوید که «احتمالاً بزرگترین منفعت دیدار آتی دونالد رامسفلد از بغداد «ایجاد تماس مستقیم بین فرستاده ویژه ریگان و صدام حسین خواهد بود.» جنگ ایران - عراق، منازعه اعراب - اسرائیل، لبنان، سوریه مباحث موردنظر هستند و مسایل دیگری که عراق ممکن است مطرح کند نیز به بحث و بررسی گذاشته می‌شود.

سند ۲۹: تلگراف حفاظت منافع آمریکا در عراق از ویلیام ال. ایگلتن به سفارت ایالات متحده در اردن.

«نکات موردبحث در دیدار رامسفلد فرستاده ویژه با طارق عزیز و صدام حسین».

۱۴ دسامبر ۱۹۸۳

در تلگراف حفاظت منافع آمریکا ذکر می‌شود که دیدار آتی دونالد رامسفلد فرستاده ویژه رئیس جمهوری نخستین دیدار صدام حسین با نماینده دولت آمریکا خواهد بود؛ بنابراین، هدف اصلی «آغاز کردن گفتگو و ایجاد رابطه شخصی» خواهد بود. در این دیدار «رامسفلد رابطه نزدیک خود را با ریگان مورد تأکید قرار خواهد داد» ... جنگ ایران و عراق (آمریکا سقوط عراق را شکست استراتژیک غرب تلقی می‌کند)، گسترش تأسیسات خط لوله عراق، لبنان، سوریه، تقویت روابط مصر و ایران، و تهدید تروریسم که هر دو کشور را هدف قرار می‌دهد نکات مورد بحث در این دیدار است.

سند ۳۰: تلگراف سفارت آمریکا در ایتالیا از مکسول ام. راب به وزارت خارجه.

«دیدار مهمتر رامسفلد با طارق عزیز معاون نخست وزیر و وزیر خارجه عراق در ۱۹

دسامبر»، ۲۰ دسامبر ۱۹۸۳

دونالد رامسفلد طی دیدار با طارق عزیز وزیر خارجه و دیگر مقامات عراق، یادآور می‌شود که آمریکا و عراق هم اختلافات و هم "زمینه‌های منافع مشترکی" دارند. طارق عزیز می‌گوید سطری که درنامه ریگان به صدام حسین با این مضمون آمده: «جنگ ایران - عراق معضلات جدی برای منافع امنیتی و اقتصادی آمریکا و دوستان او در منطقه و جهان آزاد ایجاد کرده‌است»، موجب دلگرمی من شد.

سند ۳۱: تلگراف سفارت آمریکا در انگلیس از چارلز اچ. پرایس دوم به وزارت خارجه

"مأموریت رامسفلد: دیدار ۲۰ دسامبر با صدام حسین رئیس جمهوری عراق"،

۲۱ دسامبر ۱۹۸۳

صدام حسین در دیدار ۹۰ دقیقه‌ای با دونالد رامسفلد، در نامه‌ای که او از طرف ریگان آورده بود، رضایت و خوشنودی خود را آشکارا ابراز کرد. صدام حسین و رامسفلد به بررسی منافع مشترک دو کشور پرداختند و از جمله به این مباحث پرداختند: مسئله لبنان، مسئله فلسطین، مخالفت با اینکه جنگ ایران - عراق «سبب تضعیف نقش عراق یا تقویت منافع و بلندپروازیهایی ایران شود»، و تلاشهای آمریکا برای قطع فروشهای تسلیحاتی به ایران. رامسفلد اظهار می‌دارد که آمریکا نسبت به تروریسم حساسیت شدیدی دارد، ریشه آن را در ایران، سوریه و لیبی می‌داند، و تصور می‌کند که اتحاد شوروی از تروریسم حمایت می‌کند. او سازوکارهایی را توصیه می‌نماید که مسیرهای جایگزین را برای انتقال نفت عراق فراهم سازد: خط لوله از طریق عربستان سعودی یا خلیج عقبه در اردن از آن جمله می‌باشد. وزارت خارجه این نشست را "رویدادی مهم و سازنده" می‌خواند.

سند ۳۲: تلگراف سفارت آمریکا در انگلیس از چارلز اچ. پرایس دوم به وزارت خارجه.

"دیدار مستقیم رامسفلد با معاون نخست وزیر عراق"، ۲۱ دسامبر ۱۹۸۳

دونالد رامسفلد فرستاده ویژه رئیس جمهور و طارق عزیز به مدت دو ساعت و نیم به گفتگو پرداختند و به این نتیجه رسیدند که «آمریکا و عراق منافع مشترک زیادی دارند. برقراری صلح در خلیج فارس، تمایل برای کاهش نفوذ ایران و سوریه، و

پشتیبانی از ورود مجدد مصر به جهان عرب، که پس از صلح یکجانبه با اسرائیل منزوی شده بود، از جمله این منافع به‌شمار می‌آیند. رامسفلد در مورد صادرات نفت توضیح می‌دهد، تأسیسات خط لوله جایگزین را پیشنهاد می‌کند، و دربارهٔ مخالفت با تروریسم بین‌المللی و حمایت از صلح عادلانهٔ اعراب - اسرائیل به بحث می‌پردازد. او و طارق عزیز در مورد "جزئیات" جنگ ایران - عراق بحث می‌کنند. رامسفلد ابراز می‌دارد که دولت متبوع وی خواهان پایان دادن به جنگ است. او یادآور می‌شود که جنگ‌افزار شیمیایی، گسترش احتمالی جنگ در خلیج فارس و حقوق بشر از جمله موانع در تمایل دولت آمریکا برای کمک هرچه بیشتر به عراق است؛ پس روند گفتگو را به مخالفت ایالات متحده با نقش سوریه در لبنان سوق می‌دهد.

سند ۳۳: وزارت خارجه، یادداشت عملیاتی دفتر معاون وزیر در امور خاور نزدیک و جنوب آسیا از ریچارد دبلیو. مورفی به لاورنس اس. ایگلبرگر.

"بانک صادرات - واردات بودجهٔ موردنیاز عراق را تأمین می‌کند"،

[شامل نامهٔ لاورنس اس. ایگلبرگر به ویلیام دراپر در تاریخ ۲۴ دسامبر ۱۹۸۳ است].

۲۲ دسامبر ۱۹۸۳

پس از اینکه دولت ریگان سیاست افزایش حمایت از عراق را اتخاذ کرد، وزارت خارجه به لاورنس ایگلبرگر، معاون وزیرخارجه در امور سیاسی توصیه نمود که بانک صادرات - واردات را به تأمین اعتبارات مالی برای عراق ترغیب کند. ایگلبرگر با ارسال نامه‌ای به این بانک اذعان می‌داد که چون صدام حسین درخواستهای آمریکا را پذیرفته، و پایان کمک‌رسانی به گروه تروریستی مورد نگرانی عمدهٔ ایالات متحده را اعلام کرده و رهبر این گروه (ابونضال) را اخراج نموده، «بنابراین، موضوع تروریسم دیگر مانعی برای سرمایه‌گذاری بانک صادرات - واردات در زمینهٔ فروشهای آمریکا به عراق تلقی نمی‌شود». سرمایه‌گذاری نشانگر اعتقاد آمریکا به بقای اقتصادی عراق در آینده است، که پایگاهی را در بازار بالقوهٔ عظیم عراق به دست می‌آورد، و نمودی از حمایت ایالات متحده از این کشور، آن هم با موضع [ظاهری] بی‌طرفی است.

سند ۳۴: تلگراف وزارت خارجه از کنث دبلیو. دام به سفارت آمریکا در اردن.

"مأموریت رامسفلد: دیدار با شاه حسین در لندن"، ۲۳ دسامبر ۱۹۸۳

دونالد رامسفلد سفیر سیار و فرستاده ویژه رئیس جمهور با شاه حسین (رهبر اردن) درباره چشم‌اندازهای بهبود روابط آمریکا و عراق به بحث می‌پردازد. رامسفلد گزارشی از گفتگوهای خود با صدام حسین و طارق عزیز را ارائه داده و می‌گوید «زمینه‌های توافق بین آنها بیش از زمینه‌های مخالفت بود.» او همچنین وضعیت خط لوله پیشنهادی به عقبه را برای انتقال نفت عراق بررسی می‌کند.

آمریکا پروژه خطوط لوله عقبه را با جدیت تمام، طی چندین سال، از اوایل تا نیمه دهه ۱۹۸۰ اجرا کرد. این خط لوله که نفت را از شمال عراق به خلیج عقبه در اردن انتقال می‌داد، سبب کاهش تأثیرات مخرب (بر صادرات نفت عراق) حملات ایران به تأسیسات انتقال نفت در خلیج فارس و مسدود شدن خطوط لوله، سوریه می‌شد. این پروژه پیشنهادی نگرانی شدید آمریکا را در مورد تأثیرات جنگ ایران و عراق بر عرضه جهانی نفت نشان می‌داد.

آمریکا چندین شرکت چندملیتی مستقر در ایالات متحده را در طرح‌ریزی این پروژه به کار گرفت. سرمایه‌گذار بین‌المللی بروس راپاپورت، دوست ویلیام کیسی رئیس سازمان سیا، نیز شخصیت اصلی در این معامله پیشنهادی بود. (گزارش نهایی وکیل مستقل در ارتباط با رسوایی ایران - کنترا "سلاح در برابر گروگانها" اخباری را ذکر می‌کند که حاکی است بانک راپاپورت در ژنو به صورت محرمانه ۱۰ میلیون دلار از سلطان برونسی دریافت می‌کند تا بودجه کالاهای قاچاق نیکاراگونه را که بعدها ناپدید شد تأمین نماید. راپاپورت این موضوع را انکار کرد؛ براساس گزارش نهایی، موضوع همچنان حل نشده باقی ماند. در سال ۱۹۹۱ از راپاپورت دعوت به عمل آمد که در کمیته بانکداری مجلس که در مورد پرونده فساد در معاملات مالی روسیه تحقیق می‌کند، شهادت دهد، اما او نپذیرفت).

این پروژه به دلیل درخواستهای آمریکا برای تضمینهای امنیتی سخت از اسرائیل پیچیده شد، زیرا خط لوله مزبور در برابر حملات این کشور آسیب‌پذیر بود. اسرائیل نیز به نوبه خود تضمین‌هایی را درخواست کرد که این تأسیسات خط لوله موجب خسارات زیست‌محیطی نشود.

تمامی شرکا دست‌کم برای منافع فرضی خود در این پروژه، دلایل منحصربه‌فردی داشتند. از دیدگاه عراقیها، این مهم نمودی از بهبود روابط آمریکا - عراق بود - آنها

خواستار کمک مالی و دیگر همکاریهای ایالات متحده در این معامله پیشنهادی بود. از نظر آمریکا، این امر یک مسیر جایگزین و امن را برای خروج نفت تأمین کرده و پیوند دهنده منافع آمریکا با منافع اردن و اسرائیل، (و هماهنگ با طرحهای ایالات متحده برای ایجاد کنسرسیوم گسترده تری از کشورهای عربی که مایل به همکاری با آمریکا و حل و فصل منازعه اسرائیل - فلسطین براساس شرایط ایالات متحده هستند) بود. اسرائیل از مجاورت با این تأسیسات نفتی جدید نفع می برد و توانست نکاتی را به دولت ریگان تحمیل کند. همچنین، به گفته ادوموند میس، یکی از دوستان دادستان کل دولت ریگان، به عنوان واسطه در این طرح به خاطر روابط خود با اسرائیل، موجب شد که حزب کار و دولت اسرائیل در پرداختنهای خود، مقررات ضمانت مالی پیچیده را نقض کردند.

روند تلاش برای توافق در مورد ترتیبات مورد رضایت تمامی افراد ذی نفع به کندی گرایید، تا اینکه چندین شرکت خصوصی که در طرح ریزی پروژه همکاری داشتند، به علت تردید در مورد انگیزه های سایر شرکا عقب نشینی کردند. اما عراق در سال ۲۰۰۰ در راستای منافع استراتژیک خود این طرح را احیا نمود.

منبع: مدرک دادگاه

سند ۳۵: تلگراف بخش منافع آمریکا در عراق از ویلیام ال. ایگلتن به وزارت خارجه

"پیگیری دیدار رامسفلد از بغداد"، ۲۶ دسامبر ۱۹۸۳

ویلیام ایگلتن برای پیگیری دیدار دونالد رامسفلد با محمدالصحاب معاون وزیرخارجه عراق ملاقات می کند. ایگلتن در زمینه تلاشهای آمریکا برای هماهنگی سیاست کشورهای خلیج فارس در قبال جنگ ایران - عراق، اقدام واشنگتن برای توقف فروشهای تسلیحاتی به ایران، و تمایل ایالات متحده برای افزایش صادرات نفت عراق به بحث می پردازد. او توجه و علاقه آمریکا را در مورد وضعیت اقتصادی عراق به اطلاع محمدالصحاب می رساند و این موضوع را متذکر می شود که «بررسی سیاست سطح بالا که مواضع سیاسی و محیط مناسب را فراهم آورده به واسطه رامسفلد فرستاده ویژه ریگان به رهبری عراق ابلاغ شد».

ایگلتن توضیح می‌دهد که «دیدار رامسفلد، روابط آمریکا - عراق را به سطح جدیدی ارتقا بخشیده است. این امر اهمیت نمادین دارد و به لحاظ عملی سودمند است.»

سند ۳۶ : تلگراف حفاظت منافع آمریکا در عراق از ویلیام ال. ایگلتن به وزارت خارجه

«دیدار با طارق عزیز : گسترش تأسیسات صدور نفت عراق»، ۳ ژانویه ۱۹۸۴
 پس از گفتگوهای دونالد رامسفلد، طارق عزیز طی دیداری با ویلیام ایگلتن می‌گوید که صدام حسین رئیس جمهور عراق از دیدار رامسفلد و جو سازنده پدید آمده ابراز خرسندی کرده است.

سند ۳۷ : تلگراف حفاظت منافع آمریکا در عراق از ویلیام ال. ایگلتن به وزارت خارجه
 «[این قسمت سانسور شده است] خط لوله عراق از طریق اردن»، ۱۰ ژانویه ۱۹۸۴
 رئیس بخش منافع آمریکا به اطلاع واشنگتن می‌رساند که «رهبری عراق از دیدار با رامسفلد بسیار خشنود است. طارق عزیز از تقدیر رامسفلد به عنوان یک شخصیت فراتر رفته است...»

سند ۳۸ : تلگراف وزارت خارجه از جورج پی. شولتز به سرکنسولگری آمریکا، اورشلیم.

«پیگیری رفتارهای ایران - عراق» [شامل برگه‌مخبره است]، ۱۴ ژانویه ۱۹۸۴
 ایالات متحده تلاشهای دیپلماتیک خود را برای قطع فروشهای تسلیحاتی به ایران تشدید می‌کند و مقررات کنترل ضد تروریسم را بر صادرات این کشور وضع می‌نماید، اما در نظر ندارد که واردات نفت ایران به آمریکا را منع کند.

ایالات متحده به دنبال طرحهایی برای آزادسازی سیاست صادرات خود به عراق بود. اصلاح قوانین صدور آمبولانسهای زرهی، وسایل ارتباطی، و تجهیزات الکترونیکی ساخت آمریکا را برای حفاظت از هوایمی شخصی صدام حسین مجاز می‌کرد. دولت ریگان همچنان در تلاش بود که بانک صادرات - واردات برای تأمین بودجه عراق

متقاعد سازد - تصمیم سازنده این بانک سبب بهبود میزان اعتبار این کشور می‌شد و در نتیجه بغداد با آسانی می‌توانست از مؤسسات مالی بین‌المللی وام دریافت کند.
منبع: بواسطه تحقیق و تفحص کنگره از طبقه‌بندی خارج شده‌است.

سند ۳۹: وزارت خارجه، یادداشت عملیاتی دفتر معاون وزیر در امور خاور نزدیک و جنوب آسیا از دیوید تی. شایدر به جورج پی. شولتز.

«کاهش محدودیتهای صادرات به عراق»، ۳۰ ژانویه ۱۹۸۴

وزارت خارجه نمونه‌ای از اقلام مفید نظامی را برای میزان کنترل بر صادرات به عراق مشخص می‌کند. وزارت خارجه نسبت به درخواست صدور کامیونهای سنگین دو منظوره از سوی عراق بسیار نگران است، زیرا فروش این تجهیزات براساس قانون اداره صادرات ممنوع است. اما شولتز، وزیر خارجه، فروش پیشنهادی را تصویب می‌کند.

سند ۴۰: بانک صادرات - واردات ایالات متحده، یادداشت بخش تحلیل ریسک به هیئت مدیره بخش آفریقا و خاورمیانه در بانک صادرات - واردات آمریکا.

«بررسی کشور و توصیه‌هایی برای خبرنامه‌های بانک صادرات - واردات»،

«این قسمت سانسور شده‌است؛ با عنوان «ضمیمه ۱: عراق» را دربردارد»]

۲۱ فوریه ۱۹۸۴

بانک صادرات - واردات به علت بدهی سنگین بغداد و بی‌ثباتی ناشی از جنگ ایران - عراق، این کشور را دارای ریسک اعتباری نامطلوبی ارزیابی می‌کند. در پیوست، فهرستی از شرکتهای آمریکایی از جمله وستینگهاوس، جنرال الکتریک، بیچتل و هالیبرتون ارائه شده که در صورت تأمین اعتبار، صادرکنندگان بالقوه به شمار می‌آیند.

سند ۴۱: تلگراف حفاظت منافع آمریکا در عراق از ویلیام ال. ایگلتن به وزارت خارجه

«هشدار عراق در مورد تهاجم دوباره ایران»، ۲۲ فوریه ۱۹۸۴

بین دو دیدار دونالد رامسفلد فرستاده ویژه رئیس جمهوری از عراق، که به منظور یافتن راههای بهبود روابط آمریکا - عراق و شناسایی سازوکارهای کمک به تلاشهای جنگی عراق انجام شد، ارتش این کشور با صدور بیانیه‌ای اعلام می‌کند که «متجاوزان

باید بدانند که برای هر حشره مضرى یک نوع حشره کش وجود دارد که می تواند به هر تعداد که باشد آن را نابود سازد و عراق این حشره کش مرگبار را در اختیار دارد.»

سند ۴۲: تلگراف وزارت خارجه از جورج پی. شولتز به بخش منافع آمریکا در عراق.

«حمل مواد شیمیایی آمریکا از طریق دریا به عراق»، ۴ مارس ۱۹۸۴
این محموله حاوی ۲۲۰۰۰ پوند فلوراید فسفر برای عراق بود که در فرودگاه جان اف. کندی توقیف شد، زیرا «این نگرانی وجود داشت که عراق برای تولید سلاحهای شیمیایی از آن استفاده کند.» واشنگتن از حفاظت منافع آمریکا در بغداد می خواهد که نگرانی شدید ایالات متحده را به وزارت امور خارجه عراق یادآور شود و به آگاهی این وزارت برساند که آمریکا در آینده نزدیک کاربرد آنها را به طور علنی محکوم خواهد کرد. حفاظت منافع درخواست عدم استفاده عراق از جنگ شیمیایی را تصریح می نماید، و متذکر می شود که آمریکا با تلاشهای عراق برای دستیابی به جنگ افزار شیمیایی مرتبط با مواد شیمیایی مزبور (فلوراید فسفر) مخالف است: «در صورت آگاهی از چنین تلاشهایی، آمریکا برای ممانعت از صدور آنها به عراق اقدام خواهد کرد.»

سند ۴۴: یادداشت وزارت خارجه

«هشدار کنگره نسبت به فروش کامیون [این قسمت سانسور شده است]»، ۵ مارس ۱۹۸۴
وزارت خارجه به آگاهی کارمندان کمیته مجلس نمایندگان در امور خارجه می رساند که این وزارتخانه نسبت به فروش ۲۰۰۰ دستگاه کامیون سنگین به عراق هیچ گونه اعتراضی نکرده است و یادآور می گردد که آنها در ایلی نویز، ایندیانا، اوهایو، پنسیلوانیا، نیویورک و میشیگان ساخته شده اند. سیاست رسمی آمریکا این است که تجهیزات مرتبط با بخش نظامی را به ایران یا عراق صادر نکند. هرگاه مقامی مورد سؤال واقع شود که آیا عراق این کامیونها را برای مقاصد نظامی در نظر داشته است، او چنین پاسخ می دهد، «ما احتمال می دادیم که عراق چنین هدفی داشته باشد، اما آن را آشکارا مطرح نکرده بود.»

سند ۴۵: تلگراف حفاظت منافع آمریکا در عراق از ویلیام ال. ایگلتن به وزارت خارجه

“واکنش غضبناک عراق به محکومیت کاربرد جنگ‌افزار شیمیایی از سوی آمریکا”،
۷ مارس ۱۹۸۴

در این تلگراف گزارش شده‌است که وزیر دفاع عراق محکومیت کاربرد سلاحهای شیمیایی را از سوی وزارت خارجه آمریکا تقبیح می‌کند. بخش منافع ایالات متحده تصریح می‌نماید که «گویا عراقیها به واسطه محکومیت علنی ما حیرت زده شده‌اند.»

سند ۴۶: تلگراف سفارت آمریکا در اتریش از هلن ای. فون دام به وزارت خارجه
“مجروحان جنگی ایران در وین”، ۱۳ مارس ۱۹۸۴

سفارت آمریکا در اتریش به وزارت خارجه می‌گوید که در آزمایشگاه بلژیک رسوب مقادیری از گاز خردل و سم فارچی در خون مجروحان جنگی ایرانی که برای درمان به وین منتقل گردیده، یافت شده است.

سند ۴۷: تلگراف وزارت خارجه از جورج پی. شولتز به هیئت نمایندگی دفتر اروپایی سازمان ملل و دیگر سازمانهای بین‌المللی.

“کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل: آیت ۱۲: قطعنامه پیشنهادی ایران درباره استفاده عراق از جنگ‌افزار شیمیایی”، ۱۴ مارس ۱۹۸۴

وزارت خارجه به نماینده آمریکا در سازمان ملل دستور می‌دهد که حمایت دیگر هیأت‌های نمایندگی غربی را جلب نمایند تا در مورد پیش‌نویس قطعنامه ایران که استفاده عراق از جنگ‌افزار شیمیایی را محکوم می‌کند “رأی مستنق” دهند. در غیر این صورت، ایالات متحده جریان این قطعنامه را متوقف می‌سازد.

سند ۴۸: تلگراف وزارت خارجه از جورج پی. شولتز به سفارت آمریکا در سودان.
“ملاحظات توجیهی برای دیدار رامسفلد از بغداد [صفحه مفقود شده‌است]”،

۲۴ مارس ۱۹۸۴

تلگراف پشت صحنه وزارت خارجه برای دیدار دونالد رامسفلد از بغداد در مارس ۱۹۸۴ به آگاهی می‌رساند که مقامات عراق «با وجود هشدارهای پیاپی ایالات متحده که

این امر سرانجام رخ خواهد داد، به دلیل محکومیت علنی استفاده این کشور از سلاحهای شیمیایی از سوی آمریکا آزرده خاطر شده‌اند. بخش عمده‌ای از تلگراف مربوط به علاقه دولت ریگان به دادن اطمینان دوباره به مقامات عراقی است در مورد تأمین بودجه خط لوله پیشنهادی برای انتقال نفت عراق به عقبه، و دیگر علایق منطقه‌ای آمریکا می‌باشد. در این تلگراف آمده‌است که مقامات عراقی به واسطه شیوه تعقیب اهداف اعلام شده آمریکا در منطقه "گیج شده‌اند".

سند ۴۹: تلگراف سفارت آمریکا در بحرین از دونالد چارلز سیدل به وزارت خارجه "مأموریت خاورمیانه: تلاشهای آمریکا برای توقف انتقال سلاح به ایران"،

۲۴ مارس ۱۹۸۴

دونالد رامسفلد در تدارک برای دور دوم دیدارهای خود با مقامات بغداد، فهرست کشورهایی را درخواست می‌کند که آمریکا به منظور ترغیب آنها به قطع فروشهای تسلیحاتی به ایران، به آنها نزدیک شده است.

سند ۵۰: تلگراف هیأت نمایندگی به سازمان ملل از جین جی. کرکپاتریخ به وزارت خارجه

"گزارش سازمان ملل درباره کاربرد سلاحهای شیمیایی در جنگ ایران / عراق:

رسیدگی در شورای امنیت"، ۲۸ مارس ۱۹۸۴

این تلگراف در مورد تلاشهای انگلیس و هلند برای تنظیم قطعنامه فوری سازمان ملل در زمینه محکومیت کاربرد سلاحهای شیمیایی در جنگ ایران - عراق گزارش می‌دهد، شواهد و قراین مربوط به استفاده عراق از سلاحهای شیمیایی را ارایه می‌نماید، و به بررسی نگرش یکی از مقامات سازمان ملل می‌پردازد مبنی بر اینکه «اگر جامعه بین‌المللی عراق را محکوم نکند ممکن است ایران برای تولید و کاربرد جنگ‌افزار شیمیایی مصمم شود.»

سند ۵۱: وزارت خارجه، یادداشت محرمانه دفتر امور خاور نزدیک و جنوب آسیا از آلن اورمایر به جیمز ای. پلاک.

[واکنش شورای امنیت سازمان ملل به شکایت ایران در مورد جنگ‌افزار شیمیایی؛

که شامل گزارش کاری اصلاح شده است] ۳۰ مارس ۱۹۸۴
این یادداشت گزارش می‌دهد که شورای امنیت سازمان ملل تصمیم گرفته است که
متن پیش‌نویس قطعنامه هلند را در زمینه سلاحهای شیمیایی بپذیرد و آن را به عنوان
بیانیه رئیس جمهوری صادر کند. «این بیانیه به هر حال تمامی سه عنصر موردنظر
حمدون را دربردارد.»

سند ۵۲: تلگراف وزارت خارجه از جورج پی شولتز به سفارت آمریکا در لبنان و
[دیگران].

«گزارش مطبوعاتی وزارت، ۳۰ مارس ۱۹۸۴»، ۳۱ مارس ۱۹۸۴
وزارت خارجه اعلام می‌دارد که نظارتها [و ملاحظات] سیاست خارجی را بر
صدور مواد متشکله جنگ‌افزار شیمیایی به ایران و عراق اعمال کرده است. این امر به
پرسشهای مطبوعات درباره سیاست آمریکا در قبال جنگ ایران و عراق پاسخ می‌دهد، و
سخنگوی وزارت خارجه می‌گوید استفاده عراق از سلاحهای شیمیایی ایالات متحده را
از پیگیری روابط نزدیکتر با عراق منصرف نخواهد کرد.

سند ۵۳: رهنمود تصمیم امنیت ملی (NSDD139) از رونالد دلبیو. ریگان
«اقداماتی برای بهبود موضع و آمادگی آمریکا در واکنش به تحولات جنگ ایران و
عراق»، ۵ آوریل ۱۹۸۴

رونالد ریگان اظهار می‌دارد که برای افزایش توانمندیهای نظامی و تقویت «قدرت
گردآوری اطلاعات» آمریکا در خلیج فارس باید اقدام کرد. شولتز وزیر خارجه،
واینبرگر وزیر دفاع، و ویلیام جی. کیسی رئیس سازمان سیا طرحی را برای ممانعت از
شکست بغداد در جنگ ایران - عراق تدارک می‌بینند. ریگان به شولتز دستور می‌دهد که
این اطمینان را ایجاد کند که محکومیت کاربرد سلاحهای شیمیایی از سوی آمریکا
روشن و صریح است، و نیز «بر ضرورت مبرم بازداشتن ایران از ادامه تاکتیکهای
بیرحمانه و غیرانسانی، که شاخص حملات اخیر بوده است، تأکید ورزد.»

سند ۵۴: تلگراف وزارت خارجه از جورج پی. شولتز به سفارت آمریکا در اردن.
«سلاحهای شیمیایی: دیدار با مسئول عراقی»، ۶ آوریل ۱۹۸۴

در این تلگراف گزارش شده که معاون وزیر خارجه، جیمز پلاک در ۲۹ مارس در مورد پیش‌نویس قطعنامه سازمان ملل راجع به کاربرد سلاحهای شیمیایی در جنگ ایران - عراق با نماینده حافظ منافع عراق، نظار حمدون بحث کرده‌است. حمدون اظهار نمود که عراق بیانییه ریاست جمهوری را در شورای امنیت در مورد یک قطعنامه ترجیح می‌دهد. پلاک تبیین نمود که آمریکا می‌تواند طرحهای پیشنهادی عراق را در مورد نکاتی که باید در قطعنامه احتمالی شورای امنیت گنجانده شود، بپذیرد. او گفت آمریکا خواهان همکاری دولت عراق «در پرهیز از وضعیتهایی است که در ارتباط با کاربرد جنگ‌افزار شیمیایی، به اوضاع پیچیده و شاید آشفته منجر می‌شود»، اما ابراز داشت که آمریکا «نمی‌خواهد این موضوع بر روابط دوجانبه غالب گردد و از ارزش منافع مشترک دو کشور در پایان بخشیدن فوری جنگ بکاهد».

سند ۵۵: تلگراف حفاظت منافع آمریکا در عراق از ویلیام. ال. ایگلتون به وزارت

خارجه

«بل در مورد احتمال فروش هلیکوپتر به عراق بحث می‌کند». ۱۲ آوریل ۱۹۸۴
حفاظت منافع آمریکا در بغداد همچنان تحولات در گفتگوهای جاری بین عراق و شرکت هلیکوپترسازی بل تکسترون را دنبال می‌کند. این شرکت در نظر دارد که به وزارت دفاع عراق هلیکوپترهایی را بفروشد که «هرگز نمی‌توان آنها را برای کاربرد نظامی تغییر داد».

سند ۵۶: نامه‌ای از ریچارد دام. نیکسون به نیکلا کیوسسکو.

«[درباره سرمایه‌گذاری آمریکا - رومانی برای فروش لباس نظامی به عراق]»، ۳ مه ۱۹۸۴
ریچارد نیکسون رئیس جمهور سابق آمریکا نامه‌ای به نیکلا کیوسسکو رئیس جمهور رومانی ارسال داشت که از معامله سرهنگ جان برنیا، آجودان مخصوص و رئیس ستاد پیشین خود و جان میشل دادستان کل برای خرید لباس نظامی ساخت رومانی جهت صدور به عراق حمایت می‌کرد.

پس از تجاوز عراق به کویت، تحقیقات رسانه‌ای و جنایی در مورد آن دسته از شرکت‌های آمریکایی انجام گرفت که اقلام دو منظوره یا مربوط به جنگ‌افزار را به عراق

صادر کرده بودند. به نظر می‌رسید که بسیاری از این شرکتها با مقامات دولت سابق ایالات متحده ارتباط داشته‌اند.

سند ۵۷: وزارت خارجه، یادداشت مشاور مخصوص وزیر در امور انرژی هسته‌ای و سیاست منع تولید و تکثیر سلاحهای اتمی از دیک گرانت به ریچارد تی. کندی. "صادرات اقلام دومنظوره آمریکا به عراق: اقدامهای ویژه"، [دربردارنده سندی با عنوان "صادرات دومنظوره به عراق" در تاریخ ۲۷ آوریل ۱۹۸۴ است]، ۹ مه ۱۹۸۴ یکی از اسناد داخلی وزارت خارجه نشان می‌دهد که دولت درحال بررسی سیاست "فروش انواع خاصی از اقلام دومنظوره به شرکتهای هسته‌ای عراق است"، و «نتایج اولیه بررسی به نفع گسترش این‌گونه معاملات با شرکتهای هسته‌ای عراق می‌باشد».

سند ۵۸: گزارش اطلاعاتی آژانس اطلاعات دفاعی.

"گزارش برآورد ارتش: چشم‌اندازهای عراق"، ۲۵ سپتامبر ۱۹۸۴

آژانس اطلاعات پس از بررسی اوضاع سیاسی، اقتصادی و نظامی عراق، پیش‌بینی می‌کند که این کشور همچنان توسعه توانمندیهای متعارف و شیمیایی "قدرتمند" خود را ادامه داده و «شاید برنامه سلاحهای هسته‌ای را تعقیب نماید». از دیدگاه این مرکز، به علت تلافی ویژه اسرائیل، احتمال ندارد که عراق علیه این کشور از جنگ‌افزار شیمیایی استفاده کند، و روابط آمریکا - عراق بستگی به سیاست ایالات متحده در قبال خاورمیانه، از جمله کمک آن به بغداد خواهد داشت.

سند ۵۹: سند توجیهی دفتر امور سیاسی - نظامی.

"استفاده نامشروع عراق از جنگ‌افزار شیمیایی"، ۱۶ نوامبر ۱۹۸۴

سند مزبور نشان می‌دهد که آمریکا مدتی قبل به این نتیجه رسید که بغداد در جنگ ایران و عراق از "سلاحهای شیمیایی مرگبار ساخت داخلی" استفاده کرده است، که توسعه آنها تا اندازه‌ای به واسطه کمکهای ناخواسته، و در برخی موارد، به اعتقاد ما، کمکهای تعددی شرکتهای غربی انجام پذیرفته است. دفتر امور سیاسی - نظامی وزارت خارجه تصور می‌کند که عراق در واکنش به اقدام دیپلماتیک آمریکا در نوامبر ۱۹۸۳

کاربرد سلاحهای شیمیایی را متوقف ساخته و در فوریه ۱۹۸۴، استفاده از آنها را از سرگرفته است.

سند ۶۰: تلگراف وزارت خارجه از جورج پی. شولتز به سفارت آمریکا در عراق. "یادداشت مذاکره: دیدار وزیر با معاون نخست‌وزیر عراق طارق عزیز، ۲۶ نوامبر ۱۹۸۴، ۱۰ صبح"، ۲۹ نوامبر ۱۹۸۴.

پس از احیای روابط دیپلماتیک رسمی بین آمریکا و عراق، جورج شولتز در دیدار با طارق عزیز تأکید می‌ورزد که «ایالات متحده تمایل دارد که این روابط مبتنی بر فرضیه برابری، احترام متقابل و معامله به مثل باشد». پس از اینکه طارق عزیز می‌گوید با برتری تسلیحاتی می‌توان در برابر ایران از خود دفاع کرد، جورج شولتز وزیر خارجه اظهار می‌دارد که «اطلاعات برتر نیز باید عامل مهمی در دفاع عراق به‌شمار آید. طارق عزیز اذعان داشت که این امر می‌تواند درست باشد. (آمریکا طی چندین سال به‌طور محرمانه پشتیبانی اطلاعاتی گسترده‌ای از عراق به عمل آورده بود). جورج شولتز در پایان با استقبال از روند گفتگوی جاری میان آمریکا - عراق اظهار می‌دارد که عراق ممکن است شاهد تداوم مخالفت ایالات متحده با کاربرد و تولید جنگ‌افزار شیمیایی باشد. اما این موضع، عراق را به‌طور خاص خطاب قرار نمی‌دهد...»

سند ۶۱: احترازنامه دادگاه ناحیه‌ای آمریکا (فلوریدا: ناحیه جنوب).

"ایالات متحده آمریکا، پلیتیف وی. کارلوس کاردون و [دیگران]"،

[نهم هستند که شرکت Teledyne Wahchang Albany به‌طور غیرقانونی ماده ممنوعه زیرکونیوم را برای شرکت Cardoen Industries و عراق تأمین کرده‌است].

۳۱ ژانویه ۱۹۹۵

هوارد نیچر، عضو سابق ستاد شورای امنیت ملی درد ولت ریگان می‌گوید پس از اینکه رونالد ریگان رهنمود تصمیم امنیت ملی را به امضا رساند که ایجاب می‌کرد آمریکا برای پیشگیری از شکست عراق در جنگ با ایران هر اقدام ضرورت را انجام دهد، شخص وپایام کپسی رئیس سازمان سیا به اقدامهایی دست زد تا تضمین شود که عراق از سلاحهای کافی از جمله بمبهای خوشه‌ای برخوردار است، و اینکه آمریکا اعتبارات مالی، اطلاعات و مشاوره نظامی استراتژیک را در اختیار این کشور قرار

می‌دهد. سازمان سیا همچنین از طریق واسطه‌هایی از جمله مصر و اسرائیل، تجهیزات نظامی سازگار با جنگ‌افزار ساخت شوروی را برای عراق تأمین کرد. پس از تجاوز عراق به کویت، این اقرارنامه در جریان یکی از پیگردهای شرکت‌های آمریکایی که به تحویل غیرقانونی اقلام نظامی، دومنظوره یا مرتبط با سلاح هسته‌ای به عراق متهم بودند، ارایه شد. (در این مورد، یکی از وابستگان شرکت Teledyne متهم بود که ماده زیرکونیوم، که در ساخت مواد منفجره کاربرد دارد را به شرکت صنایع کارلوس، سازنده تسلیحات شیلی فروخته است و این شرکت آن را برای ساخت بمب‌های خوشه‌ای فروخته شده به عراق به کار گرفته است.) بسیاری از این شرکتها با توجیه اینکه تأمین آماد نظامی برای عراق، سیاست واقعی، هرچند پنهانی، دولت آمریکا بوده است در صدد دفاع از خود بودند. این مورد بریژه با توجه به قوانین شهادت حاکم بر تحقیقات مربوط به مسائل امنیت ملی، نمونه دشواری برای رسیدگی بود.

